

گیلان
در
وقایع اتفاقیه

به کوشش
رضانوراد



عنوان قراردادی	: وقایع اتفاقیه (روزنامه)
عنوان و پدیدآور	: گیلان در وقایع اتفاقیه / به کوشش رضا نوزاد
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۵ ص.
شابک	: ۹۶۴-۱۹۰-۱۰۲-۷
موضوع	: وقایع اتفاقیه (روزنامه).
موضوع	: گیلان — اوضاع اجتماعی — قرن ۱۳ ق — پوشش مطبوعاتی.
موضوع	: ایران — تاریخ — فاجاریان، ۱۱۵۳-۱۳۳۴ ق — استاد و مدارک.
شناسه افزوده	: نوزاد، رضا، ۱۳۳۷ - گردآورنده.
رده‌بندی کنگره	: ۷۱۳۸۸ و ۱/۵ DSR.
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / -۵.
شماره کتاب‌خانه ملی	: ۱۸۰۲۷۲۰.



گیلان در وقایع اتفاقیه
رضا نوزاد

چاپ نخست: زمستان ۱۳۸۹
شمارگان: ۹۰۰ نسخه
شماره‌ی نشر: ۳۳۰
حروفچینی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا
خدمات چاپ: جهان کتاب
همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۱۰۳-۲

نشر فرهنگ ایلیا، رشت، خیابان آزادگان،
جنب دبیرستان بهشتی (خ صفايي)، خیابان حاتم، شماره ۴۹
تلفن: ۳۲۴۴۷۳۳ ۳۲۴۴۷۳۲ ۰۱۳۱ فکس: ۳۲۲۱۸۲۸
www.nashreilia.com

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۵	روزنامه وقایع اتفاقیه
۸۲	روزنامه دولت علیه ایران
۱۶۸	روزنامه دولتی
۱۷۳	روزنامه‌ی دولت علیه ایران
۲۰۳	توضیحات
۲۶۱	کتاب‌شناسی
۲۶۳	نمایه

سخن ناشر

سنت در دسترس بودن «نخستین» های تاریخ و فرهنگ و هنر، متأسفانه در کشورمان مهجور است. این آثار را یا باید در برخی کتابخانه‌ها جست، یا در آرشیو معدودی محققان، دشواریابی این آثار، بسیاری از پژوهشگران، نویسندگان و حتی خوانندگان علاقه‌مند را با سختی‌های بسیاری روبرو می‌کند.

از این رو، بر آن شدیم در مجموعه‌ی میراث مکتوب، برخی از نخستین‌های تاریخ و فرهنگ هنر گیلان را - اگرچه به دشواری - بجویم و به چاپ برسانیم. انتخاب این آثار نه فقط به سبب «نخستین» بودن آنان است، که ویژگی‌هایی درخور توجه دیگری نیز سبب گزینش این آثار است.

کتاب گیلان در وقایع اتفاقیه، گردآوری گزارش‌ها و اخبار روزنامه‌های وقایع اتفاقیه، دولت علیه ایران و روزنامه دولتی در باب وقایع گیلان در دوره‌ای از عصر قاجار است و گوشه‌هایی از رویدادهای این سرزمین را در خود ثبت کرده است.

پیش‌گفتار

از اینکه انتشار (وقایع اتفاقیه) رویداد مهم و ارزشمندی از دوران ناصری است تردید نمی‌توان داشت، این نامه را باید نخستین روزنامه‌ی ایرانی به معنی درست آن دانست. البته پیش از نشر وقایع اتفاقیه، میرزا صالح شیرازی کازرونی که در شمار پنج تن دانشجوی ایرانی و به فرمان عباس میرزا به منظور فراگیری دانش نوین رهسپار انگلستان گردیده بود، ضمن آموختن علوم طبیعی و کار در یکی از چاپخانه‌های آنجا به دانش روزنامه‌نویسی و طبع آگاهی یافت و چون به ایران بازگشت، به دستور محمدشاه قاجار در ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ ه.ق. به چاپ و نشر (کاغذ اخبار) دست یازید. دریغ‌اکه این رویداد تداوم نیافت و بیش از چند شماره‌ی آن هم به تعدادی بسیار اندک نشر نگردید، به ناگزیر نمی‌توان به آن جنبه روزنامه داد چون دو صفحه یک رویه‌ای بیش نبود و جنبه آگاهی‌نامه و اعلامیه را داشت. از این روی نامه وقایع اتفاقیه که پس از ۱۴ سال از آن تاریخ نشر یافت می‌تواند نخستین روزنامه‌ی واقعی ایرانی شناخته شود.

ناصرالدین شاه که از آغاز تحت سیطره‌ی اخلاقی و مردم‌دوستی وزیر صاحب تدبیرش میرزاتقی‌خان امیرکبیر قرار داشت، علی‌الظاهر با گرایش به اصطلاح‌طلبی چنین می‌نمود که می‌خواهد کشور به شاهراه نوگرایی و

دستیابی به علم و معرفت افتد، از میرزاتقی خان امیرکبیر خواست تا برای آگاهی مردم از رویدادهای کشوری خبرنامه‌ای چاپ و نشر دهد و او نیز در تاریخ آدینه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ نامه وقایع اتفاقیه را به شیوه‌ی مطبوعات آن روز اروپا با چاپ سنگی و خطی خوش بنیاد نهاد که تا تاریخ پنج‌شنبه ۶ محرم ۱۲۷۷ انتشارش ادامه یافت.^۱

روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه از لحاظ نشر نه تنها به تمام حکام و والیان شهرها می‌رسیده است، احیاناً بزرگان هر محل نیز موظف به اشتراک آن بوده‌اند، شاید به کشورهای همسایه نیز فرستاده می‌شد به دلیل آنکه می‌خوانیم (روزنامه اخبار دولت بهیه روس که در تفلیس انطباع می‌شود در خصوصی راه انداختن روزنامه دارالخلافه طهران شرحی نوشته‌اند و از قرار نوشته آنها معلوم می‌شود که روزنامه دارالخلافه را در آنجا بسیار پسندیده بودند، خصوصاً اشخاصی که خیلی خیرخواه اهل این ممالک و مراقب و مواظب تربیت خلق و طالب تعلیم و تعلم زبان پارسی و عربی‌اند، چون که منظور امنای دولت علیه را در راه انداختن این روزنامه‌ها خیر و منفعت خاص و عام، خواه از رعایای ممالک محروسه ایران یا اهالی دول دیگر بود، مباشرین این روزنامه‌ها بسیار شادمانی دارند از این که روزنامه دارالخلافه مبارکه را در دولت‌های دیگر نیز پسندیده‌اند و تحسین

۱. زنده‌یاد عباس اقبال بر آنست که (مدیریت این روزنامه از طرف امیرکبیر از عهده حاجی میرزا جبار رئیس تذکره که بعدها ملقب به ناظم‌المهام شد، پدر میرزا جوادخان سعدالدوله، قونسول سابق ایران در بغداد گذاشته شد و مباشر و مترجم آن شخصی بود انگلیسی به نام ادوارد برجیس و شخص دیگری به نام میرزا عبدالله روزنامه‌نویس نویسنده، ظاهراً کاتب، آن بود). «عباس اقبال آشتیانی، میرزاتقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، صص ۱۵۰ و ۱۴۹، انتشارات دانشکده تهران». اگرچه نامی از این افراد در روزنامه دیده نمی‌شود لیکن باید پذیرفت که وقایع اتفاقیه نمی‌توانست بدون داشتن مدیر و عامل و مباشر باشد پس در این امر تردید نمی‌توان داشت.

نموده‌اند.) شماره‌ی ۸ جمعه ۲۴ جمادی‌الاول ۱۲۶۷هـ

روزنامه‌نویسی که کاری صد در صد مردمی و اجتماعی است و باید در همه‌ی موارد و مطالب آن مردم شرکت مستقیم داشته باشند، متأسفانه در ایران از طرف دربار و دولتمردان عرضه گردید و شاید اگر هنوز هم روزنامه نتوانسته باشد در سرنوشت جامعه و مظاهر آن نقش موثری بنمایاند به علت همین گام اشتباه‌آمیز است ولی به مصداق (همین شکستگی ارزد به صد هزار درست) ظهور نامه‌ی وقایع اتفاقیه را گامی استوار در راه پیشرفت و تعالی باید شناخت چون هر چه این گام دیرتر برداشته می‌شد به همان اندازه پس ماندگی بیشتری را متحمل می‌گشتیم و خوشبختانه مسئولین وقت زود متوجه گشتند که روزنامه نباید انحصاراً برای یک نقطه نوشته شود، سراسر مردم ایران نیاز به آگاهی دارند، این بود که از همان نخستین شماره اعلام گردید: (قرار جدیدی که اولیای دولت قاهر گذاشتند، این است که در اول ماه و پانزدهم، چاپارها از دارالخلافه به ممالک ذیل: آذربایجان، فارس، رشت، کرمان، استرآباد، مازندران، خراسان، کرمانشاهان بروند و در چهاردهم و بیست و نهم دو دفعه وارد شوند، مگر کرمان، چون که دور است، ماهی یک چاپار در پنجم می‌رود.)

می‌خواستند بدین گونه به روزنامه وقایع اتفاقیه جنبه کاملاً مردمی داده شود و این هم نیاز به خبرنگارانی ورزیده با تأمین کامل جانی و مالی داشت که با روش حکومتی همخوانی نمی‌توانست داشته باشد و بدین باورم خبرنگاران استان‌های نه‌گانه‌ی مذکور که جیره‌خواران رسمی دولت بودند، چون در کلیه اخبار مربوط حکومت با گونه‌ای ستایش و رضایت و تسلیم روبه‌رو هستیم و هرگونه عنایات شاهی به حکومت‌گران را ولو به غلط و

ناروا به سزاواری و احترام آمیز می‌بینیم که این با راه و اندیشه‌ی مردم هماهنگ و پذیرفته نیست ولی در سایر موارد خبرنگاران استان‌ها به آزادی حرف می‌زنند و اطلاعات ارزشمندی می‌دهند که شایسته‌ی سپاس است.

با این که وقایع اتفاقیه به تمایل و پیشنهاد میرزاتقی خان امیر کبیر بنیاد نهاده شد و از شماره‌ی نخست تا شماره چهل و یکم مورخ پنج‌شنبه ۱۹ شهر محرم ۱۲۶۸ برابر روزی که عزل او صورت پذیرفت، وی در مقام صدراعظمی بود و اشراف کامل به روزنامه داشت بیش از چهار بار آن هم گذرانامش را در روزنامه نمی‌بینیم و از اصلاحات به عمل آورده‌اش نیز ذکری در میان نیست، نخستین بار در نوروز ۱۲۶۷ بدین شرح: (چون در ایام عید نوروز سفیر کبیر دولت علیه عثمانی و وزرای مختار دولین بهتین انگلیس و روس به دیدن جناب اتابک اعظم امیرکبیر آمده بودند، در روز یک‌شنبه معظم‌الیه به بازدید ایشان تشریف بردند) «وقایع اتفاقیه، شماره‌ی نهم، آدینه اول جمادی‌الثانی ۱۲۶۷»، دومین بار در سفر ناگهانی ناصرالدین شاه به اصفهان است که آگاهی داده می‌شود: (اگرچه در این فصل بهار حرکت دادن جمعیت به‌طوری که ضرر به محصول رعایا نرسد بسیار مشکل است، ولیکن به اقتضای وقت و رعیت‌نوازی حضرت اقدس همایون و نظم و اهتمام جناب اتابک اعظم امیرکبیر، نظام از حرکت جمعیت ضرری به زراعت و حاصل رعیت متصور نمی‌شود، و اگر حیثاً ضرر جزئی هم از این رهگذر متصور باشد فواید و منافع کلی دارد... الخ) «وقایع اتفاقیه شماره‌ی ۱۴ آدینه ۷ رجب ۱۲۶۷» سومین بار به شرح: (هم‌چنین در نیاوران به جهت جناب اجل اکرم اتابک اعظم عمارتی می‌سازند که بسیار خوب و خرم و با صفا خواهد شد... الخ) «وقایع اتفاقیه، شماره‌ی ۲۸، پنج‌شنبه ۱۶ شوال ۱۲۶۷» که معلوم نیست این خبر

در تخریب شخصیت این بزرگمرد تاریخ ایران است یا منظور دیگری در میان بود و بالاخره چهارمین بار در عزل او که با چنین آب و تابی نوشته شده است: (سرکار اعلیٰ حضرت قوی شوکت شاهنشاهی به اقتضای رای جهان‌آرای ملوکانه صلاح و صرفه ملک و دولت و خیر و ثواب امور سلطنت را در این معنی ملاحظه فرمودند که میرزاتقی‌خان را از پیشکاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امارت نظام و لقب اتابک و غیر ذالک و کل اشغال و مناصبی که به او محول بود به کلی خلع و معزول فرمایند لهذا در روز چهارشنبه بیست و پنجم این ماه حکم از مصدر سلطنت عظمی به همین صراحت شرف صدور نفاذ یافت و او بر حسب امر قدر قدرت همایون از تمامی امور و مشاغل معزول و مسلوب‌الاختیار گردید...) «وقایع اتفاقیه شماره ۴۲، پنج‌شنبه ۲۶ محرم ۱۲۶۷»

ولی گزارش‌های دیگر وقایع اتفاقیه آن قدر ارزشمند است که می‌توان به ضرس قاطع آن را تاریخ دقیق اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی و دیگر رویدادهای طبیعی و حوادث به حساب آورد و همین نیز مرا واداشت تا نسبت به استخراج گزارش‌های مربوط به گیلان اقدام نمایم و پژوهندگان را منبعی کامل و بی‌رنج بازنگری‌های وقت‌گیر فراهم آورم که تازه این گرد آمده خود نیاز به بررسی‌های فراوان دارد، اگر چه یادداشت‌هایی هرچند کوتاه و موجز در پایان آمده است.

در این گرد آمده گزارش‌های روزنامه‌های (دولت علیه ایران) از شماره ۴۷۲ الی ۵۹۲ و ۶۳۹ الی ۶۵۰ آخرین شماره و (روزنامه دولتی) از شماره ۵۹۳ الی ۶۳۸ که در واقع ادامه‌ی روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه و فقط تغییر نام یافته آن بوده‌اند نیز اخذ و در این دفتر آمد. باشد که این خدمت به هر اندازه مختصر مورد پذیرش صاحب نظران بسیار دان قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در ۴۷۱ شماره‌ی اول با نام وقایع اتفاقیه تنها دو نقاشی در آخرین شماره به چاپ رسید که اولی صحنه شکار (سرکار اقدس همایون شاهنشاهی) در بیلاق امامه، در صفحه‌ی دوم و دومین نقاشی در رابطه با خبری از خمره و افتادن (طفلی به سن پنج ساله از دریاچه که زیاده از سی ذرع ارتفاع داشته) در زمانی که مردم (مشغول تعزیه‌داری حضرت ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام بوده‌اند) و طفل (الحمدلله جان به سلامت می‌برد) در صفحه پنجم می‌باشد ولی با تغییر نام روزنامه در اکثر شماره‌ها نقاشی صورت بزرگان مملکتی به چاپ رسید.

رضا نوزاد